

مفهوم و چگونگی جبران خسارتهای گروهی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

علی عباس حیاتی^۱

چکیده

«خسارت گروهی» اصطلاحی است که در برابر «خسارت شخصی» به کار برده می‌شود. اگر عامل زیان، خسارتی مادی یا معنوی را بر شخص و یا اشخاص معینی وارد کند، خسارت وارده، «خسارت شخصی» نامیده می‌شود. مطالبه جبران خسارات شخصی مطابق قواعد عمومی است. در این گونه خسارت‌ها، تقصیر یا فعل عامل زیان، متوجه شخص یا اشخاص محدود و معینی می‌شود. اما «خسارت گروهی»، خسارتی است که جمع کثیری از اشخاص را به صورت مادی یا معنوی متضرر می‌کند. اشخاص متضرر در خسارات گروهی، ممکن است عده‌ای از افراد جامعه و یا کل افراد جامعه و یا جمعی از آنان که عضو انجمن‌ها، کانون‌ها، احزاب، تشکلات و... هستند، باشند. بر همین اساس، زیان دیدگان خسارات گروهی، ممکن است دارای تشکل و یا فاقد تشکل باشند. در حالت نخست، ضرر بر تشکلهایی وارد می‌آید که دارای شخصیت حقوقی‌اند و در حالت دوم، ضرر بر جمعیت‌هایی وارد می‌آید که فاقد شخصیت حقوقی‌اند. در حقوق فرانسه، قوانین خاص و رویه قضایی جبران ضررهای جمعی اشخاص دارای تشکل را پذیرفته است. اما در حقوق ایران، قانون خاصی در خصوص جبران چنین ضررهایی به تصویب نرسیده است و در رویه قضایی هم آرائی که از آن، جواز مطالبه جبران خسارات گروهی استنباط شود، دیده نمی‌شود. این در حالی است که خسارت گروهی، خسارتی محقق و مسلم است و ضرورت دارد، برای جبران آن قواعد ویژه‌ای وضع شود.

کلیدواژه: خسارت شخصی، خسارت گروهی، خسارت مادی گروهی، خسارت معنوی گروهی، جبران خسارت گروهی.

مقدمه

اگر عامل زیان، خسارتی مادی یا معنوی، بر شخص و یا اشخاص محدود و معینی وارد کند، می‌توان خسارت وارده را «خسارت شخصی»^۱ نامید. در خسارت‌های شخصی، زیان دیده - که ذی نفع دعوا است - برای اینکه بتواند، درخواست جبران خسارت کند، باید مطابق قواعد عمومی، اقامه دعوا کند و ادعای خود را به اثبات برساند. در این گونه خسارتها، تقصیر یا فعل عامل زیان، متوجه شخص یا اشخاص محدود و معینی می‌شود. مفهوم خسارت شخصی با خسارت گروهی تقابل دارد. «خسارت گروهی»^۲ خسارتی است که جمع کثیری از اشخاص را به صورت مادی یا معنوی متضرر می‌کند. اشخاص متضرر در خسارت گروهی، ممکن است، عده‌ای از افراد جامعه و یا کل افراد جامعه و یا جمعی از آنان که عضو انجمن‌ها، کانون‌ها، احزاب، تشکل‌ها و... هستند، باشند. بنابراین، زیان دیده در خسارت گروهی، افراد محدود و معینی نیستند؛ بلکه، در این مورد، بر جمع گسترده‌ای از اشخاص زیان وارد می‌آید. جبران خسارت‌های شخصی، تابع قواعد عام مسئولیت مدنی است و بررسی آن خارج بحث حاضر است؛ اما، در جبران خسارت‌های گروهی مسائلی مطرح است که ضرورت دارد به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد. از جمله اینکه ویژگی‌های خسارت‌های گروهی در مقایسه با خسارت‌های شخصی کدام است؟ آیا ایراد خسارت گروهی - اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی - به مانند ایراد خسارت‌های شخصی، ضمان‌آور است؟ بر فرض ضمان‌آور بودن، کیفیت جبران آن در حقوق ایران و فرانسه چگونه است؟

نخست - ویژگی‌های خسارت‌های گروهی

خسارت گروهی با خسارت شخصی وجوه اشتراکی دارد. از جمله اینکه، عامل زیان در هر دو، ممکن است شخص حقیقی و یا حقوقی باشد. همچنین در هر دو، ضرر وارده ممکن است مادی و یا معنوی باشد. با این حال، خسارت گروهی دارای ویژگی‌ها و اختصاصاتی است که آن را از خسارت‌های شخصی متمایز می‌کند. از جمله اینکه:

۱- قربانی خسارت گروهی، همیشه اشخاص حقیقی هستند. بنابراین، بر عکس خسارت شخصی که ممکن است بر شخص حقیقی و یا حقوقی وارد آید، خسارت گروهی بر شخص حقوقی وارد نمی‌آید. در مواردی که شخص حقوقی به سبب فعل دیگری مطالبه خسارت مادی یا معنوی که متوجه خود شخص حقوقی شده است، می‌کند، خسارت وارده، در زمره خسارت‌های شخصی قرار داشته و نباید آن را با خسارت گروهی یکی پنداشت. به تعبیر دیگر، تشکّل‌ها و انجمن‌هایی که از شخصیت حقوقی برخوردارند، گاهی مطالبه زیان شخصی می‌کنند. اما مسئله اصلی امکان یا عدم امکان مطالبه زیان‌هایی است که به منافع جمعی و یا گروهی افراد عضو آن تشکّل و یا انجمن وارد می‌آید. این منافع جمعی با منافع شخص حقوقی و با

۱. Prejudice individuel

۲. Prejudice collectif

و... که دارای شخصیت حقوقی است، خسارت وارد کند، ضرر وارده شخصی است و شخص حقوقی متضرر محسوب می‌شود و نماینده آن شخص، حق اقامه دعوا و مطالبه جبران خسارت دارد.

۲- خسارت گروهی، به صورت یکسان و برابر جماعتی از اشخاص را متضرر می‌کند. جماعت مورد نظر ممکن است به سبب داشتن تشکل یا انجمنی خاص واجد شخصیت حقوقی باشند و ممکن است واجد شخصیت حقوقی نباشند. به عنوان مثال، در خسارت گروهی که به صنف وکلا، پزشکان، مهندسين و... وارد می‌آید، همه افراد عضو تشکل خاص، به صورت برابر متضرر و قربانی آن ضرر هستند. لذا، در خسارت گروهی، خسارت یکی افزون بر خسارت دیگری نیست. این در حالی است که در خسارتهای شخصی، معمولاً چنین نیست و در مواردی که عامل زیان، به افراد زیادی خسارت شخصی وارد می‌کند، هر زیان دیده‌ای قلمرو خسارت وارده به خود را مشخص و درخواست جبران آن را می‌کند.

۳- بر عکس خسارتهای شخصی، در خسارتهای گروهی، اشخاص حقیقی قادر نخواهند بود، شخصاً مطالبه جبران خسارت کنند؛ بلکه، اگر اینگونه خسارتهای قابل جبران باشد، باید شخص حقوقی به نمایندگی از آنان مطالبه خسارت کند. به عنوان مثال، اگر عامل زیان با اقدام زیان بار خود جامعه پزشکان را دچار خسارت کرده باشد، یکی از پزشکان عضو جامعه پزشکی، نمی‌تواند با اقامه دعوا علیه عامل زیان، مطالبه خسارت کند. طبیعت خسارتهای گروهی به گونه‌ای است که برای جبران آن نمی‌توان به تک تک قربانیان آن خسارت حق جبران خسارت داد. بلکه حسن جریان دادرسی اقتضا می‌کند، شخص حقوقی، به نمایندگی از آنان حق خسارت داشته باشد. با این حال، اقامه دعوی گروهی به وسیله یکی از اعضای گروه به نمایندگی از افراد نامعین، در کشورهایی که دارای نظام حقوقی «کامن لا» هستند، تحت عنوان «دعوی گروهی»^۲ پذیرفته شده است.^۳

۴- در فرضی که عامل زیان جمعی، ملزم به جبران خسارت جمعی می‌شود، قربانیان خسارت، مستقیماً به صورت مادی از آن منتفع نمی‌شوند. این در حالی است که در خسارتهای شخصی، زیان دیده، نهایتاً، با اجرای حکم راجع به جبران خسارت، به صورت مادی منتفع می‌شود. بعضی از حقوق دانان، به دنبال نقد رأیی که، نمایندگی کانون وکلا در مطالبه زیان جمعی وارد بر وکلا را پذیرفته، گفته‌اند: هر چند کانون وکلا، به عنوان حافظ حقوق این جمع می‌تواند، به دفع ضرر بپردازد، اما مطالبه ضرر مادی یا معنوی از سوی مؤسسه با هدف از ایجاد آن سازگار نیست و به دشواری پذیرفته می‌شود. زیرا، حفظ منافع صنفی

۱. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، چاپ ۲، ترجمه مجید ادیب، میزان، ۱۳۸۵، ۱۹۵.

۲. Class action

۳. Cabrillac, 2010, p250

با نمایندگی در مطالبه ضرری که به هر وکیل می‌رسد ملازمه ندارد.^۱ لذا می‌توان گفت، حتی اگر اختیار انجمن در مطالبه خسارت به نمایندگی از اعضای متضرر عضو انجمن پذیرفته شود در نهایت، محکوم به، عاید زیان دیدگان نمی‌شود.

دوم - خسارت گروهی وارده بر اشخاص دارای شخصیت حقوقی و فاقد شخصیت حقوقی
با توجه به اینکه قربانیان خسارت گروهی، ممکن است، جمعیتی تشکل یافته و واجد شخصیت حقوقی و یا جمعیتی تشکل نیافته و فاقد شخصیت حقوقی باشد، لذا، بر اساس همین تفکیک، به بررسی جبران خسارت‌های گروهی در حقوق ایران و فرانسه می‌پردازیم.

۱- خسارت گروهی اشخاص دارای شخصیت حقوقی

گاهی ضرر وارده، متوجه شخص یا اشخاص معینی نمی‌شود؛ بلکه، اشخاصی که عضو تشکل خاصی هستند، ممکن است، به صورت گروهی، متحمل زیان شوند. در حقوق ایران، حقوق‌دانان از ضرر مزبور تحت عنوان زیان جمعی «انجمنها» سخن به میان آورده‌اند. واژه «انجمن»^۲ هر چند در بعضی موارد به معنای «گروهی از افراد تشکل یافته» که دارای هدفی غیرانتفاعی هستند، به کار می‌رود، اما گاهی در معنای عام‌تری استعمال می‌شود و تمامی جمع‌های تشکل یافته‌ای که زیر عناوین «کانون»، «صنف»، «مؤسسه»، «بنیاد»، «ستاد»، «سازمان» و... فعالیت می‌کنند را در بر می‌گیرد. جمع‌های تشکل یافته، واجد شخصیت حقوقی هستند و معمولاً مطابق اساسنامه‌ای که جهت فعالیت آن تدوین شده است، عمل می‌کنند. «کانون وکلای دادگستری»، «صنف طلا فروشان»، «مؤسسه خیریه انصار المهدی»، «بنیاد خیریه بیماری‌های خاص»، «ستاد دیه»، «سازمان حمایت از مصرف کنندگان» و... از جمله جمع‌های تشکل یافته هستند. هواداران و افراد وابسته به تشکل‌ها، عضو آن تشکل محسوب نمی‌شوند، هر چند که با آن تشکل، به طور کامل، بی‌ارتباط هم نیستند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا «انجمن» در معنای عام، می‌تواند، برای ضرر جمعی وارده به اعضای آن تشکل، دعوای مسئولیت مدنی اقامه کند و به سبب خسارت وارده به منافع جمعی، مطالبه خسارت کند؟ برخی گفته‌اند: منطقی نیست، خسارتی که به صورت انفرادی قابل مطالبه نیست، به صورت گروهی، قابل مطالبه باشد. به تعبیر دیگر، وقتی اعضای انجمنی به صورت شخصی نفع کافی در اقامه دعوا نداشته باشند، اجتماع آنان در انجمن نیز چنین حقی برای آنها به وجود نمی‌آورد. انجمن‌ها صلاحیتی بیش از اعضای خود ندارند و نمی‌توانند به نام حفظ مصالح عمومی صنف یا طبقه معینی، دعوای جبران خسارت جمعی، اقامه کنند؛ مگر اینکه قانون این سمت را به آنان داده باشد.^۳ با وجود این، بعضی از کشورها از جمله فرانسه، برای گروه‌هایی که دارای

۱. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، ج ۱، چاپ ۲، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۷۷

۲. Association

۳. همان، ص ۲۷۴

شخصیت حقوقی هستند، حق مطالبه خسارت جمعی قائل شده‌اند. مبنای حقوقی چنین تجویزی، نمایندگی ضمنی اعطائی به شخص حقوقی از سوی اعضای تشکل عنوان شده است. به عبارتی، اعضای تشکل، به صورت ضمنی، به شخص حقوقی نمایندگی داده‌اند، چنانچه به منافع جمعی آنان آسیبی وارد آید، برای مطالبه خسارت، علیه عامل زیان، اقامه دعوا کند.^۱ همچنین گفته شده است، هدف از تشکیل انجمن‌ها، حمایت از منافع معنوی اعضای آن است. در حقیقت، منافع معنوی مشترک هدف انجمن و دارایی معنوی آن را تشکیل می‌دهد؛ این منافع، به عنوان آورده هر عضو محسوب می‌شود و بالطبع، دفاع از آن به عهده انجمن است. لذا اگر، تهمت ناروا و یا ناسزایی به اعضا گفته شود، در واقع به هر یک از اعضا به مناسبت شرکت در آن انجمن است. بنابراین، عامل زیان صدمه‌ای به سرمایه و دارایی معنوی انجمن وارد کرده است که شخص حقوقی صلاحیت دارد، به نمایندگی از اعضا، مطالبه خسارت معنوی کند.^۲ البته در حقوق فرانسه، قانون‌گذار برای جبران ضررهای گروهی انجمن‌ها، قاعده عامی وضع نکرده است؛ بلکه در قوانین پراکنده چنین اختیاری دیده می‌شود. که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- در ماده ۳-۴ قانون خانواده و معاضدت اجتماعی (مورخ ۳ مارس ۱۹۴۵) قانون‌گذار به برخی از «انجمنهای ممتاز»^۳ اجازه داده است که هم برای خسارتهای وارده به اعضای انجمن و هم برای خسارتهای وارده به افرادی که با انجمن ارتباط دارند ولی عضو آن نیستند، اقامه دعوا کنند. از جمله انجمن‌هایی دارای چنین اختیاری هستند، می‌توان اتحادیه ملی، اتحادیه‌های استانی و انجمن‌های خانوادگی را نام برد.^۴

۲- در ماده ۳-۲۱۳۲ قانون کار مصوب ۱۲ مارس ۱۹۲۰، قانون‌گذار به سندیکای کارگری اختیار داده است، به نمایندگی از اعضای سندیکا، برای مطالبه زیان جمعی وارده، اقامه دعوا کند.^۵ ماده ۱۱-۴۱۱ قانون فعلی کار نیز همین اختیار را برای سندیکای کارگری پذیرفته است.

۳- امکان مطالبه زیان جمعی در قوانین راجع به بعضی از مشاغل حرفه‌ای نظیر وکلا، پزشکان، داروسازان و... که دارای تشکل خاص هستند، پذیرفته شده است.^۶

۴- مطالبه زیان جمعی برای انجمن‌هایی که به هدف مبارزه با بعضی از جرائم مانند نژادپرستی، تجاوزات جنسی، جرائم علیه کودکان، به موجب مواد ۲-۲ تا ۱۶-۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مورد پذیرش قرار گرفت.

۱. ژوردن، پاتریس، پیشین، ص ۱۹۶

۲. Mazeaud, 1991, n 610

۳. Associations privilegies

۴. Mazeaud, 1991, n 610

۵. Flour, 2009, p 449

۶. Cabrillac, 2010, p 251

البته در مورد انجمنهایی که هدف آنها حمایت از منافع اعضای خود و گروه گسترده‌ای از افراد نامشخص مانند نابینایان، بیماران خاص، معلولین و... است، گفته شده است، پذیرش حق مطالبه خسارت، به نمایندگی از افراد وابسته به انجمن که کثیر و نامشخص‌اند، قابل قبول نیست، مگر اینکه قانون چنین حقی را به رسمیت شناخته باشد.^۱

حق اقامه دعوا که در قوانین خاص به انجمن‌ها داده شده است، منوط به تحقق شرایطی است که از جمله این شرط‌ها سابقه‌دار بودن انجمن، داشتن نمایندگی از سوی اعضای آن، داشتن فواید اجتماعی و... است. البته در صورتی که انجمن به ثبت رسیده باشد، ضرورتی بر سابقه‌دار بودن آن نیست. چنانچه شرایط مزبور فراهم باشد، دادگاه بررسی می‌کند که آیا زیان ادعایی، در محدوده منافی که انجمن از آن دفاع می‌کند، قرار می‌گیرد یا خیر. اگر دادگاه پس از بررسی دریافت که چنین وضعیتی وجود ندارد، دعوا را نمی‌پذیرد. بر این اساس، دیوان عالی کشور اختیار دارد که با مراجعه به اساسنامه انجمن، بر ارزیابی‌های قضات از این حیث، نظارت کند.

اما مسئله اساسی، پذیرش دعوای جبران خسارت جمعی، به عنوان قاعده‌ای عام، برای همه انجمن‌ها است. این موضوع محل اختلاف بوده و در رویه قضایی فرانسه فراز و نشیب‌هایی داشته است تا سرانجام توانسته به راه حل مناسبی دست یابد. انجمن‌هایی که به عنوان نمونه از آن اسم بردیم، عموماً وظیفه دفاع معنوی از اعضای خود را بر عهده دارند. منافع معنوی اعضا، در واقع سرمایه معنوی این انجمن‌ها را تشکیل می‌دهد. لطمه زدن به این سرمایه، علی‌القاعده، باید موجب ضمان باشد. طرح دعوای مسئولیت مدنی، برای جبران این گونه ضررها، در حقوق فرانسه، سابقه نسبتاً طولانی دارد. شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه، در رأیی که در ۲۵ نوامبر ۱۹۲۹ صادر کرده، طرح دعوای جبران خسارت جمعی از سوی انجمن را پذیرفته و آن را قابل استماع دانسته است. با این حال شعب کیفری دیوان، نسبت به استماع چنین دعوای نظر مساعد نداشتند. استدلال آنان این است که اگر به انجمن اختیار داده شود در دادگاههای کیفری دعوای جبران خسارت مطرح کند، ممکن است، به صلاحیت دادسرا که وظیفه دفاع از منافع عمومی را بر عهده دارد، خدشه وارد کند. به عبارت دیگر، عملاً وقتی انجمن در دادرسی‌های کیفری به عنوان مدعی خصوصی ورود پیدا می‌کند، بیشتر انگیزه مجازات دارند تا مطالبه خسارت. این موضوع مسئولیت مدنی را از هدف اصلی خود که جبران خسارت است باز می‌دارد.^۲ به علاوه، به حسن جریان دادرسی در محاکم کیفری هم لطمه وارد می‌کند. با وجود این، نهایتاً شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه، در سال ۱۹۷۰ نیز طرح چنین دعوای را مجاز دانست (آراء مورخ ۳ نوامبر ۱۹۷۰. ۱۴ ژانویه ۱۹۷۱. ۱۳ دسامبر ۱۹۸۸ و ۶ مارس ۱۹۹۰). فراتر از آن، دیوان عالی کشور فرانسه می‌پذیرد که یک

۱. Malaurie et Aynes, 1992, n 225 et 226.

۲. Gaston et George et Bernard, 1996, p 464

انجمن برای جبران خسارات جمعی که حتی قبل از تشکیل انجمن وارد شده است، اقامه دعوا کند؛ به شرط اینکه، مقصود جبران ضرر وارد به منافع گروهی اعضای خود باشد.^۱

بررسی سیر آرائی که در این خصوص صادر شده است، به خوبی نشان می‌دهد که رویه قضایی فرانسه، روز به روز، تمایل بیشتری در پذیرش دعاوی «انجمنها» برای مطالبه زیان جمعی، از خود نشان داده است. در یکی از جدیدترین آرا، که در ۱۸ سبتمبر ۲۰۰۸ از شعبه نخست دیوان عالی کشور صادر شده، چنین آمده است: «حتی فراتر از مواردی که قانون تجویز کرده است و حتی در مواردی که اساسنامه انجمن به صراحت آن را پیش‌بینی نکرده است، انجمن می‌تواند تحت عنوان منافع جمعی، اقامه دعوا کند؛ البته به شرطی که در راستای اهداف اجتماعی خود عمل کرده باشد». این دیدگاه را باید تأیید کرد. زیرا، بهترین شیوه برای تضمین منافع معنوی و جمعی انجمن که تداوم بخش حیات گروهی آنان است، محسوب می‌شود.

لازم به ذکر است که ماده ۱-۴۲۱ قانون مصرف فرانسه، به انجمن‌هایی که نمایندگی مصرف‌کنندگان را بر عهده دارند، حق اقامه دعوا - به نمایندگی از اشخاص حقیقی مصرف‌کننده‌ای که متحمل زیان شخصی به توسط تولید کننده شده‌اند - اعطا کرده است. چنین اختیاری در ماده ۳-۱۴۳ قانون محیط زیست نیز در نظر گرفته شده است. به این صورت که انجمن‌هایی که به منظور حفظ محیط زیست تشکیل یافته‌اند، به نمایندگی از اشخاص زیان دیده‌ای که متحمل زیان شخصی شده‌اند، می‌توانند، علیه عامل زیان، اقامه دعوا نموده و جبران ضررهای شخصی وارده به او را مطالبه کنند. ذکر این نکته ضروری است که اختیار اقامه دعوا در حالت مزبور، منوط به اعطای نمایندگی صریح از سوی زیان دیده به انجمن‌های مربوط است. چنین راه‌کاری استثنایی بر قواعد عام وکالت رسمی محسوب می‌شود و هدف آن حمایت از زیان دیده و احقاق حقوق او از عامل زیان است، به شیوه‌ای که مصائب و هزینه‌های اقامه دعوا از دوش او برداشته شود. اختیار مورد اشاره، برای مطالبه ضررهای شخصی است. لذا خود زیان دیده، می‌تواند، بدون عنایت به مساعدت مزبور، شخصاً برای مطالبه جبران ضررهای شخصی اقامه دعوا کند و نباید آن را با مطالبه ضررهای جمعی یکی دانست. البته، حق اقامه دعاوی انجمن‌ها، برای جبران ضررهای شخصی زیان دیدگان، با «دعای گروهی» - که به زبان فرانسه^۲ و به زبان انگلیسی^۳ نامیده شده و در حقوق کشورهای «کامن لا» رائج است - متفاوت است. در «دعای گروهی» ضرورتی نیست شخصی که به حساب دیگری اقامه دعوا می‌کند، از سوی او رسماً وکالت داشته باشد. بلکه حتی بدون نمایندگی رسمی، برای او اقامه دعوا می‌کند و جبران خسارات وارده به او را مطالبه می‌کند. بعضی از حقوق‌دانان فرانسه طرح دعوی

۱. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ ۲، سمت، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸

۲. Action de group

۳. Class action

گروهی، خصوصاً در مطالبه زیانهای وارده به مصرف کنندگان را، راه کاری مناسب دانسته و داخل نمودن آن در حقوق فرانسه را ضروری دانسته‌اند.^۱

در حقوق ایران، قانون ویژه‌ای برای مطالبه زیانهای جمعی وارده بر اشخاص تشکّل یافته، وضع نشده است. رویه قضایی هم تا کنون آرای قابل اعتنایی در این خصوص صادر نکرده است. البته، شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به اعتراض کانون وکلای دادگستری نسبت به رأیی که نمایندگی کانون وکلای دادگستری را نپذیرفته بود، ضمن دادنامه شماره ۱۳۳ مورخ ۱۳۵۶/۱۲/۱۱ قرار منع تعقیب بازپرس را نقض می‌کند و صلاحیت آن کانون را به عنوان مدعی خصوصی برای مطالبه زیان جمعی ناشی از تظاهر به امر وکالت می‌پذیرد.^۲ بعضی از حقوق دانان هم به استناد ماده ۵۸۸ (ق. ت) که متضمن اصل برابری اشخاص حقیقی و اشخاص حقوقی از لحاظ برخورداری از حقوق مدنی است گفته‌اند: انجمن‌ها می‌توانند، به خاطر ضرر وارد به منافع گروهی اعضای خود که سرمایه معنوی آنها است، مطالبه خسارت کنند.^۳ بعضی دیگر از حقوق دانان گفته‌اند: اگر جمعی دارای شخصیت حقوقی باشد، حق مطالبه جبران زیان جمعی وارده را دارد. در صورتی که اولاً: عمل زیان بار منافع گروهی را مورد تهدید و آسیب قرار داده باشد. ثانیاً: شخص حقوقی مدعی نیز واجد چنان اعتباری باشد که نماینده جمع شناخته شود. بنابراین، اگر هدف انجمنی، گروه نامحدودی از جامعه را شامل شود، مثل مبارزه با فساد اخلاق، در این صورت نمایندگی از سوی جامعه در اختیار دولت است و انجمن‌ها تنها به حکم قانون می‌توانند از سوی دولت اقدام کنند. ولی انجمن‌ها و کانون‌های محدود مثل کانون وکلای دادگستری یا انجمن روزنامه نگاران، می‌توانند از سوی اعضای خود درخواست جبران ضرر جمعی کنند.^۴ هر چند این دیدگاه‌ها با اصول و موازین حقوقی سازگاری دارد، اما با این حال، در نظام حقوقی کنونی که با جبران ضررهای معنوی آشنایی چندانی ندارد، فقط در حوزه نظر باقی می‌ماند. لذا به نظر می‌رسد، حل این مسئله جز از طریق وضع قانونی مناسب و جامع که با اختصاصات نظام حقوقی ایران سازگاری داشته باشد، امکان پذیر نیست. مسئله‌ای که در وضع قانون مربوط نباید نادیده گرفته شود کیفیت جبران مالی زیانهای جمعی است. به نظر می‌رسد مناسب است، قانون‌گذار مقرر دارد، در مواردی که دادگاه، حکم به جبران مالی زیان جمعی صادر می‌کند، محکوم‌به، در اختیار شخص حقوقی قرار گیرد که نمایندگی زیان دیدگان جمعی را بر عهده دارد تا در راستای ترمیم زیانهای وارده آن را به مصرف برساند.

۱. Flour, et 2009, p 450

۲. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۷۷.

۳. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله، پیشین، ص ۱۳۹.

۴. بهرامی احمدی، حمید، حقوق مدنی، مسئولیت مدنی، ج ۴، چاپ ۱، میزان، ۱۳۸۸، ص ۸۴.

۲- خسارت گروهی اشخاص فاقد شخصیت حقوقی

در خسارتهای گروهی، فرض بر این است که به شخص یا اشخاص مشخص و محدودی ضرر وارد نشده است به نحوی که بتوان میزان خسارت وارده به هر یک را تعیین کرد؛ بلکه، زیان دیدگان چنین خسارتهایی جمعی تشکل نیافته و فاقد شخصیت حقوقی اند که به طور معمول، از اثبات تحمل خسارت عاجزند. اشخاص فاقد شخصیت حقوقی ممکن است متحمل خسارتهای گروهی مادی یا معنوی بشوند. در صورتی که خسارت گروهی، از سنخ خسارات معنوی باشد، به نظر می‌رسد، غیر قابل جبران است. زیرا، جمعیت تشکل نیافته، فاقد شخصیت حقوقی است و داشتن شخصیت، شرط تمتع از حقوق مدنی است. اشخاص تشکل نیافته به دلیل نداشتن شخصیت، قادر نخواهند بود، اقامه دعوا کنند. زیرا: اولاً- داشتن شخصیت شرط تمتع از حقوق مدنی است و اقامه دعوا یک نوع حق مدنی است. ثانیاً- آنان قادر نخواهند بود، رکن «ضرر» را که شرط تحقق مسئولیت مدنی است، به اثبات برسانند.^۱

بنابراین، اگر شخصی با سوء استفاده از لباس روحانیت اقداماتی انجام دهد که بر وجهه معنوی قشر روحانیت آسیب وارد کند، مسئولیتی مبنی بر جبران خسارت معنوی جمعی، متوجه او نخواهد بود. اما اگر ضرر جمعی وارده از سنخ ضررهای مادی باشد، وضعیت متفاوت خواهد بود. مصداق بارز زیانهای مادی جمعی بر اشخاص تشکل نیافته، خسارات زیست محیطی است. برخورداری از محیط زیست سالم، حق هر فردی است. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، به این صورت، بر ضرورت حفظ محیط زیست، تأکید کرده است: «در جمهوری اسلامی، حفظ محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». صدمات زیست محیطی گاهی بر تمامیت جسمانی و روانی و یا اموال اشخاص معینی لطمه وارد می‌کند که در این صورت، ضرر وارده شخصی قلمداد می‌شود و گاهی، صرفاً، به سلامت محیط زیست آسیب می‌رساند و شخص یا اشخاص معینی قربانی زیان نیستند. قسم اخیر از خسارات زیست محیطی را باید «خسارت گروهی اشخاص تشکل نیافته» قلمداد کرد.

در حقوق فرانسه، بعضی از حقوق دانان، ضررهای زیست محیطی را به دو دسته تقسیم کرده‌اند. «ضرر زیست محیطی»^۲ که قسیم ضررهای شخصی قلمداد می‌شود و به تمامیت جسمانی و روانی اشخاص یا اموال آنان لطمه وارد می‌کند. در حال حاضر جبران این گونه از ضررها مشمول قواعد عام مسئولیت مدنی است. با این حال، در طرح اصلاح قانون مدنی فرانسه و در بخش حقوق تعهدات، پیشنهادهایی برای کیفیت جبران این گونه ضررهای دیده می‌شود. گفته شده است، لازم است در کنار انواع مسئولیت‌های

۱. باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی، چاپ ۱، میزان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.

سنتی که شامل مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی، مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشیاء و مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص ثالث است، قسم دیگری از مسئولیت تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از اعمال خطرناک»^۱ افزوده گردد. البته چنین مسئولیتی هم اکنون در بعضی از کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است. مطابق این نوع از مسئولیت، کسی که «بهره‌بردار»^۲ نامیده می‌شود، بر اساس شرایط جدیدی باید مسئول اعمال مخاطره آمیز خود باشد و چنانچه از فعالیت‌های غیرطبیعی او ضرری به بار آید، باید آن را جبران کند. در نظر گرفتن چنین مسئولیتی، خصوصاً برای حوادث ناشی از فعالیت‌های صنعتی، ضروری است. نمونه چنین فجایی، تا کنون، فراوان اتفاق افتاده است. به همین دلیل، در لایحه اصلاحی پیشنهادی و طی ماده ۱۳۶۲ آن آمده است:

«..... بهره‌بردار یک فعالیت غیر طبیعی خطرناک، حتی اگر آن فعالیت مشروع باشد، مسئول جبران خسارات ناشی از آن فعالیت است. فعالیت‌هایی به صورت غیر طبیعی خطرناک قلمداد می‌شود که خطر بروز خسارت سنگینی را به طور هم زمان متوجه جمع کثیری از اشخاص کند. بهره‌بردار، از مسئولیت مزبور معاف نمی‌شود، مگر حسب قواعد عمومی (مقرر در مواد ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ ق.م.ف) تقصیر خود زیان دیده را به اثبات برساند». اما قسم دیگری از ضررهای زیست محیطی، «ضرر زیست محیطی صرف»^۳ است.

یعنی مستقیماً به تمامیت جسمانی و روانی و اموال شخص معینی، لطمه وارد نمی‌شود. بلکه صرفاً، «لطمه به اموال مشترک ملی»^۴ است. در بعضی از نظام‌های حقوقی، جبران چنین ضررهای پیش‌بینی شده است. در حقوق فرانسه جبران این ضررها به خاطر فقدان قواعد ویژه باید بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی صورت گیرد که این امر به خاطر ضرورت شخصی بودن ضرر، ناممکن است. زیرا، زیان دیده نمی‌تواند، وجود ضرری شخصی را به اثبات برساند^۵ مسئله‌ای که در جبران خسارات مزبور اهمیت دارد، چگونگی تقویم مالی چنین ضررهایی است. زیرا، به عنوان مثال، نمی‌توان به سهولت، مقدار خسارت مالی ناشی از آلاینده‌گی هوا را تخمین زد. لازم به ذکر است که در ضررهای زیست محیطی صرف، فقط بهره‌برداران خصوصی نیستند که ممکن است، چنین ضررهایی را به بار آورند؛ بلکه، عموماً، دولتها مسبب چنین ضررهایی هستند. زیرا، معمولاً، متولی طرح‌هایی که جهت ارائه خدمات عمومی به اجرا گذاشته می‌شود و خساراتی به محیط زیست وارد می‌کند، دولت است. بر این اساس است که حقوق دانان از «مسئولیت مدنی دولت» سخن به میان آورده‌اند. دولت نیز به عنوان یک شخص حقوقی از مسئولیت معاف نیست.

۱. Responsabilite du fait des activites dangereuses

۲. Exploitant

۳. Prejudice ecologique pur

۴. Atteinte au patrimoine commun de la nation

۵. Bouffelan, et 2010. p 538 et s.

لذا اگر جهت جبران خسارات زیست محیطی صرف، تدوین قانونی خاص، ضروری باشد (که ضروری است)، تکیه بر مسئولیت مدنی دولت، موضوعی است که نباید مغفول واقع شود.

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ایراد زیان جمعی بر اشخاص تشکل نیافته ضمان آور است و عامل زیان، بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی ملزم به جبران خسارت می‌شود؟ به نظر می‌رسد، در قوانین و مقررات مسئولیت مدنی، مفهوم متبادر از «ضرر»، ضررهایی است که متوجه حقوق خصوصی اشخاص می‌شود و لذا از چنین مقرراتی، نمی‌توان، ضرورت جبران ضررهای جمعی وارد بر اشخاص تشکل نیافته را استنباط کرد. دیدگاه برخی از حقوق دانان داخلی نیز بر این است که بر اساس قانون مسئولیت مدنی، امکان مطالبه خسارت‌های زیست محیطی وجود ندارد. به اعتقاد آنان، ماده ۱ قانون مزبور، ناظر به حقوق خصوصی افراد است و از حقوق عمومی آنان حمایت نمی‌کند.^۱ با این حال مقررات کیفری در حال حاضر برای متجاوزان به محیط زیست ضمانت اجرای کیفری مقرر کرده است. اما این مقررات در خصوص جبران مالی خسارات وارده حکمی بیان نکرده است. طبع ضررهای جمعی به گونه‌ای است که نباید آن را در سیطره قواعد عمومی مسئولیت مدنی قرار داد؛ بلکه، بهتر است، در خصوص جبران این گونه زیانها، قانون خاصی وضع شود و دولت به نمایندگی از عموم مردم، حق اقامه دعوا علیه عامل زیان را داشته باشد و خسارات دریافتی را به مصارف عمومی برساند. هر چند که احتیاط و پیشگیری از تحقق زیان، حتی در حقوق خصوصی امری مطلوب و خردمندانه است، اما، در حوزه حقوق عمومی، ضروری‌تر است. لذا در طراحی نظام ویژه، پسندیده است که در جبران زیانهای عمومی بیشتر بر «مسئولیت پیشگیرانه»^۲ تکیه شود تا بر «مسئولیت جبران گرایانه»^۳. لازم به ذکر است که تغییر رویکرد حقوق مسئولیت مدنی به سمت پیشگیری از وقوع خسارت از اندیشه حقوق دانانی نشئت می‌گیرد که با پردازش مفهوم «اصل احتیاط»^۴ در صدد جلوگیری از خسارات زیست محیطی بر آمده‌اند. ضرورت و اهمیت پرداختن به اصل احتیاط، از رفتارهای مخاطره آمیز بشر نسبت به محیط زیست و سلامت بشر، ناشی می‌شود. بنابراین، احتراز از هر اقدامی که احتمالاً سلامت انسان، تداوم حیات و محیط زیست را دچار مخاطره می‌کند، به عنوان مسئله‌ای مهم و حیاتی مورد توجه قرار گرفته است. سرآغاز بحث‌های پیرامون اصل احتیاط را باید در اسناد و نوشته‌های اندیشمندان آلمانی جست و جو کرد. آنان نخست از «اصل پیش‌بینی و یا اصل اهتمام»^۵ سخن به میان آوردند. این مفاهیم قرابت موضوعی با اصل احتیاط داشت. لازم به ذکر است، «احتیاط»^۶ مفهومی

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، ج ۱، میزان، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱.

۲. Responsabilite preventive

۳. responsabilite curative

۴. Le principe de precaution

۵. principe de prévoyance ou principe de souci

۶. Precaution

متمایز از «پیشگیری»^۱ دارد. در پیشگیری، هدف این است، اقداماتی به عمل آید تا از خطری که خسارتی «قابل پیش بینی» در پی دارد، احتراز شود؛ در حالی که، در احتیاط، هدف این است، از خطر بروز خسارتی جلوگیری شود که حتی «غیر قابل پیش بینی» باشد. در این حالت، اطمینان قطعی نه در عدم و نه در وجود خطر حاصل نیست.^۲ در هر حال، افزایش سیطره انسان بر طبیعت، باعث پیدایش فناوری‌هایی جهت دست کاری در آن شد و در نتیجه، وضعیت «نامطمئن علمی»^۳ توأم با ترس و نگرانی‌های گوناگون در میان جوامع بروز پیدا کرد. سرعت بی‌مهار توسعه، خطرانی جدی را متوجه محیط زیست و سلامت انسان و تداوم حیات او می‌کند. اصل احتیاط در اثر تعارض میان میل انسان به پیشرفت و توسعه، از یک سو و نگرانی او به خاطر از دست دادن امنیت از سوی دیگر متجلی شده است.^۴ اصل احتیاط به طور جدی و رسمی نخستین بار در کنفرانس ملل متحد ریو^۵ به سال ۱۹۹۲ میلادی که با موضوع کره زمین تشکیل شده بود و همچنین در معاهده ماستریت که در همان سال منعقد شد، به کار برده شد. پس از آن، اصل احتیاط در پیمان‌های مختلف بین‌المللی به کار برده شد که از جمله می‌توان به کنوانسیون تنوع بیولوژیک (ژوئن ۱۹۹۲ میلادی) و پروتکل کارتاژنا راجع به پیشگیری از خطرات بیوتکنولوژی (امضا شده در ژانویه ۲۰۰۰ میلادی) که در حقیقت در ادامه کنوانسیون تنوع بیولوژیک منعقد شد، اشاره کرد. این پروتکل که در یازده سبتمبر ۲۰۰۳ میلادی به موقع اجرا گذاشته شد، بر مبنای اصل احتیاط و پیشگیری بسته شد. بنابراین، اندیشه احتیاط در رفتار، ابتدائاً در قلمرو مباحث راجع به محیط زیست گسترش پیدا کرد و در عمل، به عنوان قاعده‌ای حقوقی، در متون بعضی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی وارد شده. نتیجه عمل به اصل احتیاط، احتراز از خطرات احتمالی است که ممکن است ضررهای سنگین و جبران ناپذیری را متوجه محیط زیست و حیات انسانی کند. بنابراین، اصل احتیاط دریچه جدیدی را به روی مسئولیت مدنی سنتی گشوده است که بر اساس آن نباید انتظار بروز خسارت را کشید و در جهت جبران آن اقدام مقتضی به عمل آورد. بر خلاف مسئولیت مدنی سنتی که بر آن است تا زیان‌هایی که در گذشته به ناروا به بار آمده جبران کند، مسئولیت مدنی مدرن، به سوی آینده نظر دارد. در این نوع مسئولیت، برای انسان این تکلیف در نظر گرفته شده است که مراقب رفتارهای خود باشد، به نحوی که گفته شود به طور متعارف، تلاش لازم جهت احتراز از ایراد خسارت به عمل آورده است. مبنای این شق اخیر از مسئولیت مدنی، همان «اصل احتیاط» است. این تحول را باید مرهون گسترش مفهوم و جایگاه «اصل احتیاط» که تجویز

۱. Prevention

۲. Buffelan-Lanore et Larribu-Terneyre, 2010 p 506 et s.

۳. Incertitude scientifique

۴. نوو اگلز، املی زهرا. اصل احتیاط به مثابه نشانه‌ای از ذهنیت و نیازهای انسان پست مدرن، دو فصلنامه فلسفی شناخت (پژوهشنامه علوم انسانی)، ۱۳۸۸، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۵. Sommet de la terre de Rio

کننده «مسئولیت پیشگیرانه» در کنار «مسئولیت جبران گرایانه» است، دانست. این اصل مهم حقوقی، در عمل، در متون بعضی از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی وارد شد و حتی می‌توان آثار اعمال آن را در رویه قضایی بعضی از کشورها نظیر فرانسه، مشاهده کرد.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان گفت: ۱ - ضررهای معنوی جمعی افراد تشکّل نیافته جبران ناپذیر است. ۲ - جبران ضررهای مادی جمعی اشخاص تشکّل نیافته که مصداق آن خسارات زیست محیطی است، بر اساس قواعد عام مسئولیت مدنی امکان پذیر نیست از این رو قانون‌گذار باید در اندیشه تدوین طرحی ویژه جهت جبران این گونه زیان‌ها باشد. ۳ - نمایندگی جبران این ضررها را باید در اختیار دولت قرار داد تا بتواند با طرح دعوی مسئولیت علیه عامل زیان مطالبه خسارت کند. ۴ - علی‌رغم پذیرش نمایندگی دولت، می‌توان حق اقامه دعوی راجع به جبران این گونه ضررها را به وکلای خیرخواه نیز اعطا کرد. پیشنهاد می‌شود در نظام حقوقی ما حق اقامه «دعوی خیرخواهانه» به رسمیت شناخته شود و بر اساس آن وکلا مجاز باشند، برای جبران چنین زیان‌هایی اگر اقدامی از سوی دولت ملاحظه نمی‌شود آنان فقط به قصد خیرخواهی به نفع عموم اقامه دعوا کنند. ضرورت پذیرش چنین دعوایی به این دلیل است که عموماً دولتها قادر نخواهند بود در همه حال برای احقاق حقوق عمومی اقدام کنند و گاهی ممکن است مطالبه بعضی از حقوق مغفول بماند. لذا وکلای خیرخواه می‌توانند در چنین مواردی بدون اینکه منتظر اقدامی از سوی دولت باشند رأساً اقامه دعوا کنند. البته نتیجه رسیدگی به دعوا، علی‌القاعده، باید صدور حکمی به نفع عموم باشد. مثلاً اگر در مورد خاصی، شرکتی، مرتکب اعمالی شود که باعث زیان گروهی اشخاص تشکّل نیافته شود اگر دولت به هنگام، علیه عامل زیان اقامه دعوا نمی‌کند وکلای خیرخواه قادر باشند علیه او اقامه دعوا کنند و از حقوق عمومی دفاع کنند. در حقوق ایران این امر بسیار ضروری است. به دلیل اینکه بسیاری از شرکتهایی که عامل چنین زیان‌هایی هستند تحت حمایت دولت هستند و دولت از اقدامات آنان حمایت می‌کند. مثلاً دولت انگیزه‌ای در اقدام علیه شرکتهای خودروساز که تولیدات آنان خسارات زیست محیطی به بار می‌آورد ندارد. ولی وکلای خیرخواه می‌توانند به قصد حمایت از حقوق عمومی چنین دعوایی اقامه کنند و دادگستری مستقل هم می‌تواند قضاوت عادلانه‌ای در این راستا داشته باشد. ۵ - در تعیین ضمانت اجرای ایراد زیان مادی جمعی بر اشخاص تشکّل نیافته باید به وضعیت ویژه چنین حقوقی توجه کرد و لذا به نظر می‌رسد، طبع چنین زیان‌هایی به گونه‌ای است که تعیین توأمان ضمانت اجرای مدنی و کیفری متناسب باشد. یعنی لازم است عامل زیان هم با ضمانت اجرای مدنی (جبران مالی خسارت) و هم با ضمانت اجرای کیفری مواجه شود. ۶ - خسارات مالی دریافتی می‌بایستی به مصرف ترمیم زیان‌های جمعی وارده برسد و لذا زیان دیدگان به صورت شخصی از آن منتفع نمی‌شوند. ۷ - تأکید بر مسئولیت پیشگیرانه و مقدم کردن آن بر مسئولیت جبران گرایانه در طراحی نظام ویژه جبران زیان‌های جمعی ضروری است که این امر اتخاذ تدابیر مختلفی را می‌طلبد که در هر مورد با جلب نظر متخصصان امر می‌توان ساز و کار متناسب با آن را تعریف کرد.

نتیجه‌گیری:

متمایز کردن ضررهای شخصی از ضررهای جمعی دارای آثار حقوقی مهمی است. قربانیان ضررهای شخصی به لحاظ برخورداری از نفع انحصاری شخصی، انگیزه کافی برای تعقیب عامل زیان و مطالبه خسارت را دارند. ولی قربانیان زیان‌های جمعی از یک سو، به خاطر عجز از اثبات وقوع ضرر، ناچیز بودن ضرر وارده، وابستگی ادعای هر زیان دیده به ادعای سایر زیان دیدگان و..... انگیزه کافی برای طرح دعوای جبران خسارت ندارند. از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران برای مطالبه جبران زیانهای جمعی با خلأ قانونی مواجه است و رویه قضایی هم تا کنون نتوانسته با تفسیر قواعد کلی و توسل به اصول کلی حقوقی این نقیصه را برطرف کند. از این روی، وضع قانونی جامع که متضمن قواعد و مقررات ویژه‌ای در خصوص جبران ضررهای جمعی باشد ضروری به نظر می‌رسد. در تدوین چنین قانونی، لازم است، زیان جمعی اشخاص تشکل یافته، از زیان جمعی اشخاص تشکل نیافته، تفکیک شود و در هر مورد، بر جبران ضررهای مادی و معنوی جمعی تأکید شود. در وضع مقررات مربوط، لازم است، به طبع ویژه زیان‌های جمعی توجه شود و ضمانت اجرای مدنی و کیفری متناسب با نقض هر قاعده، در نظر گرفته شود. مادامی که قانون ویژه‌ای در این خصوص وضع نشده باشد، به نظر می‌رسد، رویه قضایی به آسانی قادر نخواهد بود خلأ موجود را برطرف کند. به همین خاطر است که در جامعه مصداق‌های زیادی از زیانهای جمعی را می‌توان نام برد که قربانی زیان، جمع کثیری از افراد جامعه هستند و در عمل اقدام قانونی برای احقاق این حقوق صورت نمی‌گیرد. امروزه بر کسی پوشیده نیست که صنایع خودروسازی، صنایع تولید مواد غذایی، مخابرات و..... در مواردی زیان جمعی وارد می‌کنند. در عمل، به دلیل فراهم نبودن زمینه‌های قانونی و حقوقی، اقدام مناسب قضایی علیه آنها صورت نمی‌گیرد. اینها نمونه‌هایی هستند که می‌تواند ضرورت قواعد مناسب جهت جبران زیانهای جمعی را تبیین کند.

منابع و مآخذ:

الف - منابع فارسی:

۱. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات، جلد اول، میزان، تهران.
۲. باریکلو، علی رضا (۱۳۸۵)، مسئولیت مدنی، چاپ اول، میزان، تهران.
۳. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، حقوق مدنی ۴، مسئولیت مدنی، چاپ اول، میزان، تهران.
۴. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، میزان، تهران.
۵. صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، چاپ دوم، سمت، تهران.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول، چاپ دوم، دانشگاه تهران، تهران.
۷. نوو اگلیز، املی زهرا (۱۳۸۸)، «اصل احتیاط به مثابه نشانه‌ای از ذهنیت و نیازهای انسان پست مدرن»، دو فصلنامه فلسفی شناخت (پژوهشنامه علوم انسانی).

ب - منابع فرانسه:

- 8-Buffelan-Lanore et Larribu-Terneyre. (2010) Droit civil, les obligations. 12 ed, sirey,
- 9-Code civil francais, Dalloz, (2010)
- 10-Code de procedure penale, Dalloz, (2010)
- 11-Janas, (H). (1990) le principe responsabilit, 1979, Traduction francaise: Cerf,
- 12-Flour, (J) Luc-Aubert (J) et Savaux (E), (2009) Droit civil, Les obligations, 13 ed, Sirey,
- 13-Cabrillac, (R). (2010) Droit des obligation, Dalloz, 9 ed, Paris,
- 14-Gaston, (S) et George, (L) et Bernard, (B). (1996) Procedure penale, 16 ed. Dalloz, Paris.
- 15-Le Tourneau,(P) et Cadiet (L). (1996) Droit de la responsabilit, Dalloz. Paris.
- 16-Malaurie, (PH) et Aynes, (L) , (1992) Droit civil, Les obligations, 3 ed.
- 17-Mazeaud, (J. H. L) et Chabas, (F) et Juglart (M), (1991) Lecons de droit civil, T 2, 8 ed.
- 18-Viney, (G) et M P. Kourlisy (2000) "Rapport au premier minister sur le principe de precaution" 1999, Odille Jacob, doc. France, janvier.
- 19-Viney, (G) et Jourdain (P), (2001) Les effets de la responsabilit, paris, LGDJ,

Conception and restitution of plural loss in Iran and French law

Plural loss is a legal term which is used as the opposite of individual loss. When the defendant inflicts some material or immaterial loss to a certain persons. This type of loss is known as "Individual loss". In these cases, the victim (plaintiff) in order to get the loss compensated must bring a legal action against the defendant and must prove the claim before the court. Furthermore in these cases negligence or harmful act is regarded in connection with certain persons. In other hand plural loss usually amounts to affecting many people by inflicting material or immaterial loss. People who are members of associations, institutions, and parties. According to this fact plural loss can be divided into plural loss directed to organized persons or non-organized persons. The first type of loss is inflicted to those entities which have legal personality and the second type is related to entities which are deprived of a such personality. In French law restitution of plural loss inflicted to organized association is recognized by law but in Iranian legal system no certain legislation have been passed related to this aspect of loss and in the area of judicial precedent no special verdicts allowing the restitution of such loss cannot be found however plural loss and is an established and direct loss and it is vital to pass special regulations making its restitution possible.

Keywords: Individual loss. Plural loss. Plural material loss. Plural immaterial loss. Restitution of plural loss.